عنوان:

غصب

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-356 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/ورود به آستان بندگی/محاسبه عمر/آشنایی با محرمات |
| برچسب | تزکیه، غصب، تعریف، احکام غصب، حلال، حرام، علامه طباطبایی |
| توضیحات |  |

 كسى كه مال ديگرى را به زور از دستش گرفته و بى آن كه يكى از اسباب تملك به ميان آيد، مال خود قرار مى‏دهد، يا مال ديگرى را به زور تصرف نموده از منافعش استفاده مى‏كند، اگر چه آن‏ها را مال خود قرار ندهد، اين عمل از ديدگاه شرع، «غصب» ناميده مى‏شود.

پس غصب مسلط شدن بر مال ديگرى است، بدون آن كه يكى از اسباب تسلط مانند بيع و اجاره و اجازه، در ميان باشد.

و از اين جا روشن مى‏شود كه «غصب» كار ناشايستى است كه اصل اختصاص و مالكيت را پايمال مى‏كند و به همان اندازه كه اصل اختصاص و مالكيت در زنده بودن و سرپا ايستادن اجتماع مؤثراست، به همان اندازه غصب اجتماع را متزلزل ساخته و از پيشرفت متوقف مى‏سازد.

اگر بنا شود متنفذان جامعه‏اى بدون مجوز قانونى، دست روى دسترنج ناتوانان و زيردستان خود بگذارند، اختصاص و مالكيت، اعتبار خود را از دست خواهد داد. و هر كس نسبت به حقوق اختصاصى آنان كه ناتوان‏تر از خودش مى‏بيند، همين طرز تفكر را خواهد داشت و زير دستان و ناتوانان نيز براى برخوردارى از نتيجه رنج و كوشش‏هاى خود، دست به هر گونه تمكين و تبعيّت و يا عزت و شرافت فروشى خواهند زد و در نتيجه جامعه انسانى تبديل به يك بازار برده‏گيرى و برده فروشى‏ خواهد شد. و قوانين و مقررات به كلى از اعتبار ساقط شده و جاى خود را به زور و ستم خواهد داد.

اين است كه اسلام مقررات بسيار سختى براى غاصب وضع نموده است و غصب را يكى از گناهان بزرگ مى‏شمارد.

به نص كتاب و سنت، هر گونه گناهى جز «شرك» از جانب حق تعالى احتمال آمرزش دارد و هر گناهى حتى «شرك» به وسيله «توبه» قابل عفواست، ولى كسى كه در پرونده زندگيش غصب و تعدى به حقوق ديگران باشد، هرگز بدون گذشت صاحبان حق، از بازخواست خدايى و كيفر عمل خود اميد رهايى ندارد.

**برخى از احكام غصب‏**

1. بر غاصب واجب فورى است كه مال مغصوب را به صاحبش برگرداند و اگر زنده نباشد، به ورثه وى رد كند؛ اگر چه رد، موجب ضرر شديد هم شود. مانند اين كه سنگ يا تيره آهن كسى را غصب كند و در بنايى كه به صدها هزار برابر قيمت آن تمام شده بگذارد، بايد بنا را خراب كرده سنگ و تيرآهن غصبى را بيرون كشيده به دست صاحبش بدهد، مگر اين كه صاحب مال به گرفتن قيمت آن رضايت دهد ... و يا مانند اين كه ده من گندم را غصب كرده يا ده خروار جو مخلوط كند، اگر صاحب گندم به گرفتن قيمت حاضر نشود بايد عين گندم را از جو جدا كرده به صاحبش رد نمايد!

2. اگر عيبى در مال مغصوب پيدا شود، علاوه بر رد عين مال، بايد از عهده خسارت نيز برآيد.

3. اگر مال مغصوب تلف شود، بايد قيمت آن را پرداخت نمود.

4. اگر غاصب قسمتى از منافع مال غصبى را از بين ببرد، بى آن كه خود استفاده كند، ضامن منافع نامبرده مى‏باشد. مانند كسى كه ماشين كرايه‏اى را غصب كرده و چند روزى بخواباند.

و اگر منافعى در مال مغصوب به وجود آورده مانند اين كه گوسفندى را غصب نمود با علوفه خوب پرورده فربه كند، حقى در منافع نامبرده ندارد، و اگر منافع نامبرده منفصل باشد، مانند اين كه زمين را غصب نموده زراعت كند، مال مغصوب را با اجرت آن به صاحب مال برمى‏گرداند و زراعت متعلق به غاصب است.

**\*توجه شود که احکام مذکور عمومی و صرفا برای آشنایی می باشد و ممکن است با نظر مرجع شما کمی مغایرت داشته باشد.**

علامه طباطبایی ره، تعاليم اسلام، ص: 283

نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور